

شهری در حصار حاشیه‌ها

مطالعه رضایت از زندگی در بین حاشیه‌نشینان شهر کابل

اسداله نقدی^۱، علی توانا^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۹

چکیده

کابل شهری است در چنبره حاشیه‌ها گرفتار شده و حدود هفتاد درصد جمعیت شهر در این محلات زندگی می‌کنند. بی‌جا شدگان (مهاجران) روستاها را رها کرده و به دنبال شغل‌های خدماتی در شهر می‌باشند؛ بافت متراکم، تنوع پایگاه‌های قومی و فقر گسترده زمینه را برای بروز انواع آسیب‌ها مهیا ساخته و تأثیر مستقیم بر کیفیت زندگی، رضایت از زندگی و توسعه پایدار شهری می‌گذارد. شاروالی (شهرداری) در شهر کابل، چشم‌انداز روشنی برای مدیریت حاشیه‌نشینی ندارد و به‌تنهایی نیز قادر به حل معضل حاشیه‌نشینی شهر نیست. در شهر کابل، حاشیه‌نشینی گاه در اشکال خاصی چون کوه‌نشینی نیز به چشم می‌خورد. در این پژوهش از روش پیمایش استفاده شده و حجم نمونه ۳۰۱ نفر بوده است. جدی‌ترین مشکل حاشیه‌نشینان مسئله امنیت، ایجاد اشتغال و دسترسی به خدمات اولیه شهری است. بیش از ۹۰ درصد مردم وضعیت امنیت محله خود را نامناسب می‌دانند. پاسخگویان به تطبیق یکسان قانون باور ندارند. احساس محرومیت و تبعیض بر رضایت از زندگی مؤثر و مانعی برای توسعه پایدار شهر کابل است. این امور باعث می‌شود تا مردم مشارکت شهری کمتر داشته باشند و شهر را خانه مشترک خود ندانند. تعلق‌ها در شهر کابل جمعی نیست و بیشتر درون‌گروهی و قومی است. ساختار شهری کابل هم از بعد زیر ساخت‌ها و هم مدیریت شهری فقیر است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با نوعی حاشیه‌نشینی مضاعف در شهر کابل، مواجه هستیم و تفاوت و تبعیض‌های قومی و شهروندی در حیات شهری کابل به چشم می‌خورد. قومیت، پایگاه اجتماعی و محرومیت نسبی بر میزان رضایت از زندگی شهری تأثیرگذار هستند و به‌صورت کلی، میانگین رضایت از زندگی شهری در بین حاشیه‌نشینان، در سطح پایین قرار دارد. توسعه پایدار شهری مستلزم جلب مشارکت شهروندان و ساکنان محلات حاشیه است

واژگان کلیدی: حاشیه‌نشینی، رضایت از زندگی شهری، رضایت از خدمات شاروالی، محرومیت نسبی، کابل.

^۱. دانشیار جامعه‌شناسی شهری و توسعه، دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده مسئول): Naghdi@basu.ac.ir

^۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، مؤسسه Corps کابل

مقدمه و بیان مسئله

افغانستان در مرحله انتقال سریع به شهری شدن قرار دارد. کشوری با انواعی از مسائل و مصائب، و درعین حال، توانمندی‌ها و دارایی‌های بسیار است. باتوجه به آخرین سرشماری، بیشتر جمعیت افغانستان را نوجوانان تشکیل می‌دهند و شهرنشینی نیز در حال رشد است. از طرفی، نبود برنامه‌ریزی باعث شده است تا بیش از هفتاد درصد شهرهای افغانستان را حاشیه‌ها تشکیل دهد و کابل، به‌عنوان پایتخت و بزرگترین شهر افغانستان، بیشترین حاشیه‌نشین را در خود جای دهد. تنوع فرهنگی و قومی با توجه به پایتخت بودن و مکانی برای دستیابی به فرصت و امکانات بیشتر نیز مزید بر مورد توجه واقع شدن شهر کابل شده است که همه اینها، مطالعه میزان رضایت شهروندان از زندگی شهری، خصوصا حاشیه‌نشینان، را به یک امر ضروری تبدیل می‌کند. ازسوی دیگر، بهبود کیفیت زندگی در هر جامعه‌ای یکی از اهداف مهم سیاست‌های عمومی است. دولت‌ها سعی دارند تا شهروندان رضایتمندی بیشتری از آنها داشته باشند. سنجش و بررسی میزان رضایت شهروندان از خدمات و زندگی شهری، به‌نحوی ارزیابی است از این سیاست‌ها و چنین پژوهش‌های کاربردی نقش قابل توجه‌ای در تحلیل وضع موجود، تصمیم‌های بعدی به منظور ارتقای سطح کیفی، برنامه‌ریزی‌های آینده و جلوگیری از تکرار نواقص در دیگر مکان‌ها دارد. از آنجایی که تحقیقات زیادی در شهر کابل در زمینه مسائل شهر و حاشیه‌نشینی انجام نشده است، این پژوهش در نوع خود بدیع بوده و تا حد ممکن، سعی دارد شاخص‌ها و تئوری‌هایی که بیان‌کننده وضعیت زندگی حاشیه‌نشینان کابل است را مورد مطالعه قرار دهد.

بعد از فروپاشی نظام طالبان در افغانستان و روی کار آمدن دولت جدید، امیدواری‌هایی برای بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی شهرها، از جمله کابل، برای مردم ایجاد شد. جنگ ویرانی‌های زیادی را به بار آورد و فقر و بیکاری را گسترش داد. بسیاری از کسانی که مهاجرت کرده بودند با شکل‌گیری حکومت جدید دوباره به کشور و شهرها، مخصوصا پایتخت، بازگشتند. داده‌ها و سرشماری‌ها نشان می‌دهند که در سال‌های اخیر، روستایی‌ها به دلیل بی‌کاری، خشک‌سالی‌های پی‌درپی و وضعیت بد زندگی به شهرها مهاجرت کردند. براساس گزارش‌های بانک جهانی، مرکز ثبت و احوال جمعیت افغانستان و آخرین تحقیق منتشر شده نشان می‌دهند که «در سال

۱۹۵۰، از هر ۲۰ نفر یک نفر در سال ۲۰۱۴ از هر ۴ نفر و تا سال ۲۰۶۰، از هر ۲ نفر یک نفر شهرنشین خواهد شد. به این ترتیب ۵۰٪ جمعیت افغانستان شهرنشین خواهند شد و روند رشد شهرهای افغانستان نیز هر سال ۴٪ افزایش را نشان می‌دهد.» (وضعیت شهرهای افغانستان، ۲۰۱۵: ۲۷). این رشد بیشتر از همه شهرهای افغانستان در کابل بارز است و این شهر رشد سریعی را تجربه می‌کند. براساس این تحقیق، شهر کابل ده درصد در دهه گذشته رشد داشته و این رقم هفت برابر شهرهای دیگر (هرات، بلخ و قندهار) خوانده شده است.

در کابل، ۵۴ سایت به عنوان محلات اسکان غیررسمی شناخته می‌شوند و براساس تحقیق (UNHABITAT) ۸۶ درصد سکنه شهری در افغانستان فاقد یکی یا بیشتر این شاخص می‌باشند: ۱. دسترسی به آب سالم، ۲. حفظ‌الصحه بهبود یافته، ۳. مواد و مصالح با دوام در خانه‌سازی، ۴. فضای مناسب زندگی و ۵. امنیت مالکیت (گزارش وضعیت شهرهای افغانستان، ۲۰۱۵: ۱۰۴). شهرهای (افغانستان در سال‌های اخیر) محل اسکان و میزبان، شمار روز افزون افرادی هستند که در جستجوی یافتن محل امن و سرپناه مناسب و فرصت کاری بهتر می‌باشند. حاشیه‌نشینان در تمام گوشه و کنار دنیا، با مشکلات جدی روبه‌رو هستند؛ از وضعیت بد بهداشت و نبود اشتغال گرفته تا ترک تحصیل به دلیل وضعیت اقتصادی و نبود خدمات‌رسانی دولتی. همه اینها دست‌به‌دست هم می‌دهند و مشکلات جدیدی را خلق می‌کنند. «عدم مشارکت، احساس تبعیض، نداشتن روحیه تعلق شهروندی، کامروایی معوق و... از ویژگی‌های اصلی شخصیتی حاشیه‌نشینان و تهیدستان شهری است» (نقدی، ۱۳۹۲: ۴). بسیاری از این مشکلات را می‌توان در شهر کابل نیز سراغ گرفت و شرایط ویژگی‌های خاص حاشیه‌نشینی کابل را هم باید به آنها افزود.

در چند سال اخیر، مسئله رضایت از زندگی و خدمات شهری باعث ایجاد مطالبات و اعتراضاتی از سوی شهروندان شهر کابل شده است. باید توجه کرد که رضایت یکی از مهم‌ترین مباحث زندگی شهری و نقش اساسی در کنش‌های ما دارد، از طرف دیگر، تأثیر بر سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی‌های شهری و مدیریتی، خصوصاً در رسیدن به توسعه پایدار. از آنجایی که حاشیه‌نشینی با فقر و کیفیت پایین زندگی همراه است، مسئله رضایت و سنجش آن برای مطالعات مرتبط با حاشیه‌ها مهم قلمداد می‌شود (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۴). حکومت

افغانستان در سال ۲۰۱۶ میلادی، اعلام کرد فراهم آوردن مسکن برای جمعیت شهری رو به افزایش یک چالش مهم به حساب می‌آید و بانک جهانی نیز از چگونگی آن ابراز نگرانی کرده است. حکومت افغانستان با توجه به چالش‌های مهم شهری، برنامه‌هایی نظیر «برنامه اولویت شهری» و «پروژه بزرگ خانه‌سازی» در منطقه خواجه رواش کابل و امثال آن را به کمک مالی نهادهای بین‌المللی بر دست گرفته است اما با توجه به رشد چشم‌گیر جمعیت شهری افغانستان، این کشور نیازمند برنامه‌های بیشتر و مدیریت شهری روزآمدی است.

بیشتر مهاجران (بی‌جا شدگان) داخلی افغانستان به چند شهر بزرگ این کشور مانند کابل، هرات، قندهار و مزار شریف روی می‌آورند و این درحالی است که جمعیت ساکن این شهرها در حال حاضر، بیشتر از ظرفیت و امکانات شهری موجود است. برای نمونه، می‌توان از امکانات و زیرساخت‌های شهر کابل که برای ۷۰۰ هزار سکنه (باشنده) ایجاد شده است، حال آنکه بیش از شش میلیون تن در این شهر زندگی می‌کنند. کابل پنجمین شهر دنیا با رشد سریع جمعیت می‌باشد. از یکونیم میلیون در سال ۲۰۰۱ میلادی، به بیش از شش میلیون در حال حاضر رسیده که بیش از ۷۰ درصد باشندگان آن در محلات غیر رسمی و ساحات غیر معیاری (حاشیه و سکونتگاه‌های غیررسمی) زندگی می‌کنند. شهر کابل به دلیل ویژگی‌های خاص خود (پایتخت بودن، فرصت‌های بیشتر، تمرکز امکانات رفاهی و...) مقصد مهاجرین از هر گوشه و کنار افغانستان برای دست‌یابی و رسیدن به این امکانات و فرصت‌هاست. این رشد شهری به همراه حاشیه‌نشینی گسترده است. رضایت شهروندان از زندگی شهری نقش و تأثیر بسزای در برنامه‌ریزی شهری، توسعه پایدار، مطالبات و مدیریت شهری دارد. بنابراین حاشیه‌نشینی چالش اصلی برای توسعه شهری آینده در کابل است. این مطالعه به دنبال شناخت وضع موجود حاشیه‌نشینی و شرایط، شاخص و رضایت حاشیه‌نشینان در شهر کابل است.

پیشینه تجربی

نظرسنجی‌ای که دیده‌بان شفافیت افغانستان (۱۳۹۶) از ۴۴۴۴ نفر در نه ولایت انجام داده است نشان می‌دهد که شهرداری کابل با ۴۷ درصد کسب رضایت مردم و سه درصد بهبود نسبت به سال قبل اما، بعد از گردیز در آخرین رده قرار دارد. در این پیمایش، که در ۲۲ ناحیه شهر کابل

انجام شده، بیشترین رضایتمندی مردم از خدمات شهرداری در ناحیه‌های دو، چهار و یازده و کمترین رضایتمندی در ناحیه‌های هجده، بیست‌ویک و بیست‌ودوم به ثبت رسیده است. شاخص‌های مورد نظر در این نظرسنجی؛ جمع‌آوری زباله‌ها، فراهم‌سازی ایستگاه‌های اتوبوس‌های شهری و حفظ و مراقبت از زیرساخت‌ها، تأمین دسترسی به اطلاعات، تقویت اشتراک عامه در تصمیم‌گیری‌ها از سوی شهرداری‌ها، حساب‌دهی و فراهم‌سازی فرصت‌های مؤثر برای شکایات به مسائل حکومت‌داری بوده است. این نظرسنجی نشان می‌دهد که مشارکت مردم، دسترسی به اطلاعات، حساب‌دهی و بررسی شکایات از جمله شاخص‌های حکمرانی است که شهرداری‌های افغانستان آنها را فراموش کرده است. همچنین براساس یافته‌های این گزارش، شاخص‌هایی همچون جنسیت، میزان درآمد و قومیت نیز در میزان رضایتمندی مردم تأثیرگذار بوده است؛ چنانچه زنان با آنکه تنها ۳۲ درصد از خدمات شهری بهره‌مند شدند، ولی بیشترین میزان رضایتمندی را ابراز داشتند. کسانی که سن بالایی داشتند رضایت بیشتر و کسانی که سن کمتر، رضایت کمتری از خدمات شهری ابراز داشتند. با توجه به قومیت پاسخ‌دهندگان هم، هزاره‌ها ۴۱ درصد، پشتون‌ها ۴۲ درصد، ازبک‌ها ۶۴ درصد و تاجیک‌ها بالاتر از همه بوده، بنابراین هزاره‌ها و پشتون‌ها کمترین رضایتمندی و تاجیک‌ها و ازبک‌ها بیشترین رضایتمندی را از خود نشان داده‌اند درخصوص شاخص میزان مراجعه آنها به شاروالی نیز هزاره‌ها ۲۶ درصد و تاجیک‌ها ۴۳ درصد بوده است.

پژوهش دیگر توسط اسکان بشر سازمان ملل (UNHABITAT) انجام و به مشکلات و معضلات شهرنشینی در افغانستان و وضعیت شهرهای افغانستان پرداخته است. مهم‌ترین مشکلات شهری افغانستان را دسترسی نداشتن به منابع آب سالم، بهداشت، مصالح و مواد ساختمانی مقاوم در خانه‌سازی‌ها، فضای نامناسب زندگی و نبود امنیت مالکیت دانسته است. همچنین گزارش نشان می‌دهد که با رفتن نیروهای خارجی وضعیت شهرنشینان رو به وخامت گراییده و نرخ بیکاری نیز افزایش یافته است. در این گزارش، اشاره‌ای مشخص به حاشیه‌نشینان نشده است ولی به صورت کلی، وضعیت زندگی مردم شهرنشین نامناسب گزارش شده است.

در تحقیق میر و عیسی (۱۳۹۶) نیز به رشد شهرک‌های «غیررسمی» اشاره می‌کند که از ابتدایی‌ترین زیرساخت‌های شهری همچون سیستم آبرسانی، مدیریت فاضلاب و زباله‌ها،

دسترسی آسان جوانان به مکاتب و زمین‌های بازی و محل کار نامناسب برای مردان و زنان برخوردار نیستند. این تحقیق با مرور اسناد و مطالعات پیشین در زمینه مدیریت شهری از واحدهای کوچک تا به سطح شاروالی انجام شده است. یافته‌های کلیدی این تحقیق نبود مرز مشخص بین واحدهای کاری و برنامه ملی است. ساختارهای اداری محدود، طرح پالیسی ملی شهری، سرمایه‌گذاری بلندمدت و اصلاح این اداره‌ها را برای راهکار پیشنهاد می‌کنند.

نظیر و همکاران (۲۰۱۶) در تحقیقی که بر «تأثیر برنامه ارتقای سکونت‌گاه‌های غیر رسمی در شهر کابل» منطقه افشار و مصاحبه با ۹۴ خانه انجام دادند، نشان می‌دهد که گسترش خانه‌ها در منطقه افشار باعث رشد و تشویق اقتصاد محلی، بهسازی خانه‌ها که اگر قبلاً یک منزله (اتاق) بودند، دو تا چهار منزله شدند، تأثیر بر بهبود خدمات دسترسی در منطقه، قبلاً کرایه تاکسی ۸۰ افغانی بوده و با گسترش و رشد منطقه به ۵۰ افغانی کاهش یافته و فاصله ۲۰ دقیقه‌ای به ۱۰ دقیقه رسیده است. این رشد بیشتر از همه در اقتصاد محلی انعکاس یافته، طوری که خانه‌های کنار جاده معمولاً منزل اول خویش را دکان ساختند. رضایت و درک از تغییر در محله نیز افزایش یافته، طوری که ۹۱ درصد راضی بودند و ۹ درصد ناراضی. ناراضی‌ها بیشتر به دلیل کمبود فضاهای عمومی مثل زمین‌بازی و پارک بود. پیشنهاد این تحقیق این بوده است که توجه به وضعیت فرهنگی و فضایی این منطقه بیشتر شود و فضاهای عمومی که از ملزومات زندگی شهری است، ساخته شود و گسترش یابد.

آذر و اسکلو (۱۳۹۶) در تحقیقی که در مورد «میزان رضایتمندی حاشیه‌نشینان کلان‌شهر تبریز» از عملکرد شهرداری در سه دوره (۱۳۷۸-۱۳۹۲) با روش پیمایشی و اسنادی روی ۳۸۴ نفر انجام داده است نشان می‌دهد که بیشترین میزان رضایتمندی ساکنین محلات حاشیه‌نشین مربوط به عملکرد شهرداری در بهبود وضع دسترسی معابر محلات حاشیه‌نشین بوده و کمترین میزان رضایتمندی آنان از عملکرد شهرداری نیز مربوط به عدم استفاده شهرداری از منابع در دسترس در جهت بهبود شرایط محل زندگی ساکنین محلات حاشیه‌نشین بوده است که به‌صورت کلی، براساس این مطالعات میدانی ساکنین محلات حاشیه‌نشین شهر تبریز از شورای اسلامی شهر و شهرداری این شهر کمتر از حد متوسط رضایت دارند.

نقدی و صادقی (۱۳۸۶) در تحقیق «رضایتمندی حاشیه‌نشینان شهر همدان» با جامعه آماری ۵۵۰ خانوار ساکن در محلات حاشیه شهر همدان، انجام داده‌اند که این بررسی و داده‌های آن نشان می‌دهد که به‌طور کلی، میزان رضایت در این مناطق در حد مطلوبی نیست. مهم‌ترین دلیل نارضایتی در درجه نخست، وضعیت بد کالبدی محله است (که شهروندان روزمره با آن درگیر هستند) سپس کمبود امکانات و بیکاری. سه آرزوی مهم پاسخگویان این تحقیق همه در یک راستا و عبارت‌اند از داشتن خانه، شغل و سلامتی و به تعبیر مازلوئی، اینها از نیازهای اساسی به‌شمار می‌روند. پیشنهاد تحقیق تأکید بر بهبود زیرساخت‌های اساسی، تهیه مسکن و سرپناه حداقلی و سپس برقراری نظم و امنیت در قالب طرح‌های توانمندسازی ساکنین این محلات است و مشارکت جدی مردم باید در سرلوحه برنامه‌های مجموعه‌های مدیریت شهری قرار گیرد.

نقدی و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه «کیفیت زندگی در محلات حاشیه شهر ساوه»، نشان داده‌اند که این شهر طی سه دهه گذشته، شاهد رشد چشمگیر محلات و حجم جمعیت حاشیه بوده است به طوری که ۵ محله سکونتگاه غیررسمی طی دوره مورد بررسی به ۲۵ محله رسیده است. کیفیت زندگی در حاشیه به شکل معنی‌داری پایین‌تر است و رضایتمندی از خدمات شهری چندان بالا نیست و درعین‌حال، حاشیه‌نشینان نیز به روش‌های خاص خود با سیاست‌های شهری بازی می‌کنند.

آکگل^۱ (۲۰۱۲) تحقیقی را که در مورد «میزان رضایت شهروندان کایسری» از شهرداری با حجم ۲۹۲ نفر در ترکیه انجام داده و نشان می‌دهد که بیشترین نارضایتی در بخش حمل‌ونقل و کمترین در بخش خدمات اجتماعی است. همچنین توقعات شهروندان بالاتر از خدماتی است که شهرداری ارائه می‌دهد. در این تحقیق، متغیر سن چندان تأثیری در رضایت نداشته ولی متغیر وضعیت تأهل، جنسیت در بخش صحت و محیط زیست تأثیرگذار بودند.

اوکتای و روستملیا (۲۰۱۰) در «اندازه‌گیری کیفیت زندگی شهری و رضایت محله، منطقه مورد مطالعه فاماگوستا» نشان دادند که در مقایسه با رضایت فرد از خانه، همسایگان نزدیک و ویژگی‌های آنها، رضایت از کیفیت کلی زندگی شهری در فاماگوستا پایین‌تر است. درحالی‌که

^۱. Akgul

تقریباً دو سوم از نمونه به‌طور کلی، از محله خود راضی بودند، فقط ۲۱ درصد از کیفیت زندگی راضی بودند (حیدرخانی و همکاران، ۱۳۹۶).

در یک جمع‌بندی می‌توان ادعا کرد که تاکنون تحقیق مشخص و مستقل درخصوص حاشیه‌نشینان شهر کابل از دید جامعه‌شناسی صورت نگرفته است و اندک مطالعات صورت گرفته مانند دیده‌بان شفافیت، اسکان بشر و نظیر... بیشتر درخصوص وضعیت کلی شهرها و نه حاشیه‌نشینان، به‌خصوص در کابل، بوده است. تحقیق حاضر فتح بایی خواهد بود برای مطالعات بعدی درخصوص شهری که حاشیه‌ها سهم زیادی از عرصه شهر و نسبت بزرگی از جمعیت آن را به خود اختصاص داده است.

چارچوب نظری

حاشیه‌نشینی یکی از معضلات جهان امروزی و از چالش‌های هزاره سوم است. علاوه بر رشد و گسترش شهرها، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه، شاهد گسترش حاشیه‌ها نیز هستیم. از زمان جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو، که به‌صورت علمی و آکادمیک به این مسئله پرداخته‌اند، تا امروز حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی در صدر مسائل شهری باقی مانده است. اگرچه اتفاق نظر در تعریف نیست، اما برای اختصار می‌توان ادعا کرد: هر نقطه شهری (یا گروه اجتماعی) که فاقد استانداردها، خدمات و زیرساخت‌های شهری (مسکن، زیرساخت‌ها و معابر، خدمات شهری مانند آب و فاضلاب و تلفن، سرانه فضای سبز، حمل‌ونقل شهری، سبک و کیفیت زندگی...) باشد حاشیه است (نقدی، ۱۳۹۲، ۱۳۸۶).

در مدلی که مکتب شیکاگو ارائه می‌دهد گروه‌های اجتماعی بنابر سطح درآمد و توان مالی در لایه‌ای از شهر سکونت می‌گزینند و بیشتر شامل اجتماعات مختلفی می‌شود که بر پایه قدرت رقابتشان در شهر، شکل گرفته‌اند. در داخل هر منطقه، ناحیه‌های مختلف براساس فرهنگ، زبان و نژاد به اجتماعات طبیعی هم‌زیست تقسیم شده‌اند. با رشد شهر، ساکنان مناطق از راه فرایند هجوم و توالی جابه‌جا می‌شوند. نمونه این فرایند در شیکاگو، سکونت مهاجران در مناطق انتقالی فقیرنشین و سپس تحرک تدریجی «رو به بالا» و «رو به بیرون» یعنی تحرک به‌سوی مناطق بهتر بود (نورعلی‌وند، ۱۳۹۴: ۳۲).

مکتب شیکاگو و مفسران آن به شدت تحت تأثیر تصورات اکولوژیکی از شهر بودند و شهر را مانند یک اکوسیستم می‌دیدند که موجودات زنده درون آن همراه پروسه‌هایی نظیر رقابت، همکاری، سازش و توافق... زیست می‌کنند (نقدی، ۱۳۹۰؛ نقدی، ۱۳۹۲: ۱۷). اما این هاروی بود که شهر را از منظر دیگر، یعنی عدالت شهری، نیز مورد بررسی قرار داد. به باور هاروی، تغییر توزیع درآمد میان گروه‌های مختلف اجتماعی، در اشکال شهرنشینی معاصر منعکس می‌شود (هاروی، ۱۳۷۹: ۳۳۵). تغییر مکان یک فعالیت اقتصادی در شهر، به معنای تغییر در فرصت‌های اشتغال است. همچنین تغییر مکان مسکن نیز به معنای تغییر در فرصت‌های سکونت است (همان: ۵۱).

براساس دیدگاه اندیشمندان مکتب شیکاگو، تئوری اقتصاد سیاسی شهر مانند هاروی رشد شتابان حاشیه‌نشینی و مهاجرت به شهر، باعث شکل‌گیری ناحیه‌های شهری می‌شود که بیشتر براساس سطح درآمد و وضعیت اقتصادی آنها رقم خوردند. به همین دلیل، نابرابری‌های زندگی در میان دایره‌های مختلف به وجود می‌آید. این نابرابری‌های موجود در شهرها و محرومیت ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی اگرچه برای نسل اول مهاجران ساکن این سکونتگاه‌ها با توجه به بهبود هرچند اندک در مقایسه با شرایط زندگی در روستا یا محله‌های مرکزی شهری چندان آزاردهنده نبوده، اما نسل دوم و سوم با توجه به عمیق‌تر شدن شکاف اجتماعی برداشت متفاوتی از شرایط دارند. معمولاً نسل جدید به‌عنوان یک ساکنان شهر انتظار برخوردار از شرایط زیست مناسب را دارند که شهر از تأمین آن ناتوان است؛ برای همین درخواست‌های نسل‌های بعدی، با وجود تبعیض و نابرابری، همواره زمینه بروز اغتشاشات شهری را فراهم می‌آورند (صرافی، ۱۳۸۲الف: ۲۶۸، به نقل از ایران‌دوست، ۱۳۸۸: ۳۱). رالف دارندوف درباره منشأ نخستین نارضایتی‌های اجتماعی بیان می‌دارد که موافقت کافی وجود دارد که محروم‌ترین افراد بدترین احساس‌ها را دارند. منشأ آگاهی از این محرومیت عموماً افراد پیرامونی یا کسانی هستند که آنها را برای مقایسه مناسب می‌بینند (باوندپور، ۱۳۹۳: ۶۹، به نقل از هزار جریبی و فعلی، ۱۳۹۴: ۱۲۶).

اینگلهارت احساس رضایت از زندگی را بازتاب توان بین آرزوها و وضعیت موجود تعریف می‌کند. زمانی که وضعیت فرد با آرزوها و توقعاتش تطبیق می‌یابد، به فرد احساس رضایت بالا

دست می‌دهد، زمانی که فرد در یافتن این تطابق دچار مشکل می‌شود، احساس نارضایتی و ناخشنودی می‌کند و تا زمانی که به تطابق نرسد، این احساس در او باقی می‌ماند (برزگر، ۱۳۸۶: ۶۹، به نقل از باقری و همکاران، ۱۳۹۴).

رضایت از زندگی ارتباط مستقیم با کیفیت زندگی دارد. در واقع، کیفیت زندگی رضایت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هرچند کیفیت زندگی مفهومی پیچیده و چند بعدی است که تحت تأثیر مؤلفه‌هایی چون زمان و مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی قرار دارد و از این رو معانی گوناگونی برای افراد و گروه‌های مختلف بر آن مترتب است. برخی آن را به‌عنوان قابلیت زیست‌پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به‌عنوان اندازه‌ای برای میزان جذابیت و برخی به‌عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و مواردی از این دست تعبیر کرده‌اند (اپلی و منون، ۲۰۰۸: ۲۹۲-۲۸۸ به نقل از حیدرخانی و همکاران، ۱۳۹۶). بسیاری از دانشمندان علوم شهری، کیفیت محیط شهری را یکی از مؤلفه‌های کیفیت زندگی می‌دانند؛ بنابراین، می‌توان گفت کیفیت محیط قسمتی از کیفیت زندگی است و شامل تمام فاکتورهایی می‌شود که بخشی از رضایتمندی انسان‌ها را تشکیل می‌دهند (رفیعیان و دیگران، ۱۳۸۶: ۲ به نقل از عیوضلو و همکاران، ۱۳۹۵). از سوی دیگر، در بین حاشیه‌نشینان به دلیل حاشیه واقع شدن که بیشتر مهاجرین و/یا کسانی هستند که وضعیت اقتصادی مناسبی ندارند، نارضایتی بیشتری وجود دارد. در تحقیق دیگری نشان دادند که اقلیت‌های قومی و مهاجرین، خصوصاً نسل دوم، رضایت کمتری از زندگی شهری دارند. در حالی که آنها با مشکلاتی که نسل اول داشتند، کمتر مواجه می‌شوند و کوشش می‌کنند خود را با هنجارهای حاکم سازگار کنند (کنایز^۱ و همکارانش ۲۰۱۶) به دلیل اینکه نسل دوم شرایط خود را با گروه مرجع یا هم‌تایان گروه اکثریت مقایسه می‌کنند نه با کشور مبدأ یا شرایط گذشته والدینشان (هلت^۲ و همکاران، ۲۰۰۸؛ مید توم،^۳ ۲۰۱۴).

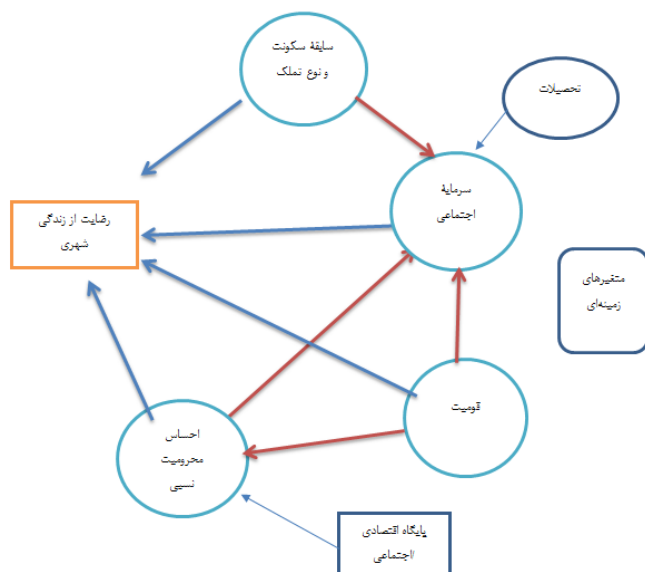
ابعاد رضایت از زندگی متفاوت و بستگی به سطح توقعات شهروندان دارد. آنچه در همه‌جا مشترک است و یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رضایت از زندگی شهری در بعد عینی و ذهنی را شامل می‌شود، رضایت از مسکن است که به سابقه سکونت، نوع تملک و کیفیت آن برمی‌گردد

1. Knies et al

2. Heath et al

3. Metoem

(ایراندوست، ۱۳۸۸) که به آن می‌توان خدمات بهداشتی و سلامتی شهری، کیفیت مبلمان شهری و در نظر گرفتن فضاهایی برای ورزش و تندرستی را نیز افزود که در افزایش شاخص کیفیت زندگی شهری و رضایت شهروندان تأثیر قابل توجهی دارد (یزدانی، ۱۳۹۴: ۶۸). مدل مفهومی این تحقیق به صورت کلی، با توجه به مفاهیم و متغیرهای مورد بررسی؛ حاشیه‌نشینی، سرمایه اجتماعی، رضایت از زندگی شهری، قومیت و محرومیت نسبی به شرح نمودار زیر می‌باشد.



نمودار شماره ۱: مدل مفهومی و تحلیلی تحقیق

فرضیه‌ها

- قومیت حاشیه‌نشینان بر میزان رضایت آنها از زندگی شهری تأثیر دارد.
- سابقه سکونت حاشیه‌نشینان بر رضایت از زندگی آنها تأثیر دارد.
- تملک مسکن حاشیه‌نشینان بر رضایت از زندگی آنها تأثیر دارد.
- احساس محرومیت حاشیه‌نشینان بر رضایت از زندگی آنها تأثیر دارد.
- پایگاه اجتماعی حاشیه‌نشینان بر رضایت آنها از زندگی تأثیر دارد.
- محرومیت نسبی بر رضایت حاشیه‌نشینان از زندگی تأثیر دارد.
- مشارکت حاشیه‌نشینان بر رضایت آنها از زندگی شهری تأثیر دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شهروندان بالای ۲۰ سال ساکن در سه ناحیه شاروالی (ناحیه یازدهم، دوازدهم و سیزدهم) و یک ناحیه فرعی هفده است. براساس سرشماری سال ۲۰۱۸، جمعیت شهر کابل ۴ میلیون و ۱۴۱ هزار و ۱۶۵ نفر گزارش شده است و از آنجای که آمار دقیقی از حاشیه‌نشینان وجود ندارد، اما وزارت شهرسازی ۷۰ درصد شهر کابل را حاشیه‌نشین اعلام کرده است. بنابراین، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و با در نظر گرفتن ۷۰ درصد حاشیه‌نشین، ۳۲۰ نفر به دست آمد. نخست از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و سپس نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک استفاده شده، در ابتدا، محله‌های حاشیه‌نشین مشخص، و در مرحله بعد، با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک، نمونه‌ها براساس توزیع خانه‌ها انتخاب شدند. متغیرهای تحقیق با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، چارچوب نظری و پیشینه تحقیق شناسایی و بعداً پرسش‌نامه طراحی و قابلیت اعتماد یا پایایی ابزار اندازه‌گیری تحقیق (پرسش‌نامه)، از طریق پیش‌آزمون روی ۳۰ نفر انجام گرفت. آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های مورد نظر ۰,۷۸ به دست آمد که نشان‌دهنده قابلیت بالایی از اعتماد و اطمینان ابزار مورد تحقیق بود. روایی پرسش‌نامه نیز به روش صوری و تأیید صاحب‌نظران صورت گرفته است. اطلاعات و داده‌ها از طریق پرسش‌نامه و مشاهدات میدانی گردآوری شده است. محدودیت‌های روش‌شناسی بسیاری در عمل رخ داد از جمله سنت‌های سخت‌گیرانه در مورد مصاحبه با زنان و دختران یا حتی مزاحمت‌هایی برای پرسشگران در برخی محلات، امتناع از پاسخگویی و ناامنی عمومی و تفاوت و تعارض‌های قومی و سایر عوامل که گاه سبب شد در مواردی تعدادی از پرسش‌نامه‌ها برگردانده نشده و محقق به اجبار در بعضی ساحات پرسش‌نامه را دوباره توزیع کرده و از ۳۲۰ پرسش‌نامه اولیه در نهایت ۳۰۱ پرسش‌نامه معتبر و غیرمخدوش برگردانده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی این تحقیق نشان داد که از حجم نمونه ۳۰۱ نفری، بیشتر تعداد پاسخگویان مردان (۵۹,۸ درصد) هستند و زنان ۴۰,۲ درصد از پاسخگویان را تشکیل می‌دهند که از این

جمع، ۶۸٫۸ درصد متأهل و ۳۱٫۲ درصد مجرد بودند. بیشتر پاسخگویان سواد بالاتر از خواندن و نوشتن داشتند و فراوانی تحصیلات دارای لیسانس از همه بیشتر است طوری که ۳۸٫۲ درصد را شامل می‌شود. کمترین حد فراوانی مربوط به تحصیلات بالاتر از لیسانس بودند که ۳ درصد را شامل می‌شود. قومیت پاسخگویان به ترتیب، ۳۰٫۲۲ درصد هزاره، ۲۹٫۹ درصد پشتون، ۲۹٫۹ درصد تاجیک و ۱۰ درصد اوزبیک را شامل می‌شود. توزیع فراوانی متغیر درآمد نشان می‌دهد که بیشتر افراد بین ۵ تا ۱۰ هزار افغانی درآمد دارند که نشان می‌دهد سطح معیشت و درآمد باتوجه به هزینه‌های زندگی در شهر کابل خیلی کم است با اینکه ۶۱٫۵ درصد از پاسخگویان شاغل بودند. فراوانی متغیر مالکیت منزل نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان اکثراً دارای خانه‌های هستند که خریده‌اند و این رقم ۵۷٫۱ درصد را شامل می‌شود. برحسب گروه سنی پاسخگویان بیشتر جوانان بودند که ۳۵٫۵ درصد را شامل می‌شود درحالی‌که رده سنی از ۱۸ تا ۸۱ سال بود. مهم‌ترین دلایل مهاجرت به کابل، امکانات و تسهیلات شهری و کار ذکر شده است.

بررسی گویه‌های رضایت از خدمات شاروالی، مشارکت شهری، رضایت از زندگی، سرمایه اجتماعی و محرومیت نسبی نشان می‌دهد که بیشتر مردم از خدمات شهری رضایت کمتری دارند، قوانین شهری را کمتر رعایت می‌کنند و سرمایه اجتماعی درون گروهی بالای دارند همچنین احساس می‌کنند که بی‌عدالتی و تطبیق یکسان قانون در شهر کابل وجود ندارد و وضعیت زندگی آنها چنانچه که توقع داشتند نیست. میانگین این وضعیت نشان می‌دهد که ۳۰٫۵ درصد مردم از خدمات شاروالی رضایت دارند، ۲۷٫۹ درصد در امور شهری مشارکت می‌ورزند، ۴۱٫۹۸ درصد از زندگی راضی هستند و ۵۰ درصد احساس می‌کنند که در معرض محرومیت واقع هستند.

یکی از سؤالات که از پاسخگویان پرسیده شده بود علاوه بر شاخص‌های مورد نظر، میزان رضایت آنها از زندگی در شهر کابل بود. براساس یافته‌ها از نمونه مورد نظر، ۳۳ نفر (۱۱ درصد) از پاسخگویان گفته بودند که خیلی زیاد راضی هستند، ۱۰۱ نفر (۳۳٫۶ درصد) راضی بودند، ۱۲۵ نفر (۴۱٫۵ درصد) تاحدودی، ۲۶ نفر (۸٫۶ درصد) کم و ۱۶ نفر (۵٫۳ درصد) خیلی کم راضی بودند. باتوجه به پاسخ، پاسخ‌دهندگان می‌توان گفت که سطح رضایت از زندگی در

شهر کابل متوسط به بالاست و تعداد افرادی که رضایت کمتری دارند، نسبت به راضی‌ها، در حداقل قرار دارند.

جغرافیای این تحقیق شامل سه ناحیه (یازدهم، دوازدهم و سیزدهم) و یک منطقه (پشت کوتل) را شامل می‌شود که در واقع، حاشیه‌های اصلی شهر کابل است و بیشترین حاشیه‌نشینان را نیز در خود جای داده است. با توجه به وضعیت زندگی حاشیه‌نشینان و محل زندگی آنها، از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد که چرا این منطقه را برای زندگی انتخاب کردید. ۱۱۲ نفر (۳۷،۲ درصد) ارزان بودن را دلیل اصلی گفتند، ۸۵ نفر (۲۸،۲ درصد) بودن آشنا و اقوام را دلیل انتخاب خود ذکر کردند، ۷۱ نفر نزدیکی به شهر و ۲۴ نفر به دلیل امنیت منطقه مورد نظر را انتخاب کرده‌اند. این یافته‌ها در تأیید اینکه حاشیه‌نشینان به دلیل ارزان بودن مکان‌ها و بودن آشنا و اقوام، چنین مکان‌های را برای زندگی انتخاب می‌کنند، است و آن را تأیید می‌کند.

قومیت حاشیه‌نشینان بر میزان رضایت از خدمات شاروالی تأثیر دارد. با توجه به آزمون زیر، لون نشان می‌دهد که برابری واریانس‌ها بیشتر از ۰،۰۵ است و اینجا ۰،۲۱۲ را نشان می‌دهد که می‌توان نتیجه گرفت بین واریانس گروه‌ها اختلاف معنی‌دار وجود ندارد و باید از آزمون تعقیبی استفاده گردد که در اینجا از آزمون شفه استفاده می‌شود. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که معناداری در حد ۰،۰۰۰ است. با توجه به این نتایج می‌توان گفت که تفاوت میانگین (۶/۸۱۶-) بین هزاره با پشتون معنی‌دار می‌باشد (یعنی این دو قوم از نظر رضایت از خدمات شاروالی باهم تفاوت دارند)، همچنین تفاوت میانگین (۴/۴۷۷) رضایت از خدمات شاروالی بین تاجیک و پشتون نیز معنادار است. اختلاف میانگین رضایت از خدمات شهری در بین اقوام به این شکل است: هزاره‌ها ۲۷،۴۸؛ پشتون‌ها ۳۴،۳۰؛ تاجیک‌ها ۲۹،۸۲ و اوزبیک‌ها ۳۰،۶۶.

به صورت کلی، شهروندان حاشیه‌نشین شهر کابل ۳۰،۵۳ درصد از خدمات شاروالی رضایت دارند که این مقدار خیلی کم را نشان می‌دهد و کمتر از حد متوسط است. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که بیشتر شهروندان حاشیه‌نشین شهر کابل از خدمات شهری رضایت ندارند.

جدول شماره ۱: رضایت از خدمات شاروالی (شهرداری) و قومیت

رضایت از خدمات شاروالی (شهرداری) و قومیت								
	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای میانگین		کمترین	بیشترین
					کرانه بالا	کرانه پایین		
					هزاره	۹۱		
پشتون	۹۰	۳۴,۳۰۰۰	۷,۱۸۰۵۸	۰,۷۵۶۹۰	۳۲,۷۹۶۱	۳۵,۸۰۳۹	۲۱,۰۰	۴۹,۰۰
تاجیک	۹۰	۲۹,۸۲۲۲	۶,۸۷۵۴۲	۰,۷۲۴۷۳	۲۸,۳۸۲۲	۳۱,۲۶۲۳	۱۴,۰۰	۴۶,۰۰
اوزبیک	۳۰	۳۰,۶۶۶۷	۶,۹۹۹۱۸	۱,۲۷۷۸۷	۲۸,۰۵۳۱	۳۳,۲۸۰۲	۱۸,۰۰	۴۳,۰۰
مجموع	۳۰۱	۳۰,۵۳۸۲	۷,۲۶۳۷۹	۰,۴۱۸۶۸	۲۹,۷۱۴۳	۳۱,۳۶۲۱	۱۴,۰۰	۵۱,۰۰
آزمون لون برای برابری واریانسها				F(3,297) = 1.508, P = .212				
آزمون آنالیز واریانس				F(3,297) = 15.723, P = .000				

براساس این یافته‌ها می‌توان گفت که میزان رضایت از خدمات شهری در بین شهروندان حاشیه‌نشین شهر کابل برحسب قومیت متفاوت است و معمولاً قومی بیشتر رضایت دارند که در مکان‌های بهتری زندگی می‌کنند یعنی اینکه دسترسی آن مکان‌ها به خدمات شهری نیز تا حدودی بهتر از مناطق است که رضایت کمتری دارند و یک گروه قومی در آن ساکن هستند که در اینجا هزاره‌ها کمترین رضایت از خدمات شاروالی دارند.

همچنین داده‌ها نشان می‌دهد که سابقه سکونت و تملک مسکن در رضایت از زندگی شهری تأثیر دارد.

جدول شماره ۲: تملک مسکن و رضایت از زندگی

آماره توصیفی تملک مسکن و رضایت از زندگی								
	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای میانگین		کمترین	بیشترین
					کرانه بالا	کرانه پایین		
					ارثی	۵۷		
خریداری	۱۷۲	۴۲,۵۶۹۸	۶,۲۵۶۷۷	۰,۴۷۷۰۷	۴۱,۶۲۸۱	۴۳,۵۱۱۵	۲۲,۰۰	۵۳,۰۰
گروی	۲۷	۴۰,۲۲۲۲	۶,۲۳۴۷۲	۱,۱۹۹۸۷	۳۷,۷۵۵۸	۴۲,۶۸۸۶	۲۶,۰۰	۵۱,۰۰
کرایه‌ای	۴۵	۴۱,۰۸۸۹	۷,۱۷۵۷۹	۱,۰۶۹۷۰	۳۸,۹۳۳۰	۴۳,۲۴۴۷	۲۴,۰۰	۵۷,۰۰
مجموع	۳۰۱	۴۱,۹۸۰۱	۶,۱۲۴۲۴	۰,۳۵۳۰۰	۴۱,۲۸۵۴	۴۲,۶۷۴۷	۲۲,۰۰	۵۷,۰۰
آزمون لون برای برابری واریانسها				F(3,297) = 2.754, P = .043				
آزمون آنالیز واریانس				F(3,297) = 1.631, P = .182				

تحقیق‌های متفاوت در زمینه اینکه آیا نحوه تملک مسکن در رضایت از زندگی تأثیر دارد یا نه، انجام گرفته و بعضی از آنها نشان می‌دهند که چگونگی تملک مسکن مثل کرایه‌ای، گروهی یا خریداری شده در رضایت از زندگی تأثیر دارد ولی این تحقیق نشان می‌دهد که نحوه تملک مسکن تأثیری در رضایت از زندگی ندارد.

جدول شماره ۳: آزمون لون سابقه سکونت و رضایت از زندگی

آزمون لون سابقه سکونت و رضایت از زندگی			
معناداری	درجه آزادی داخل گروه ها	درجه آزادی بین گروه ها	مقدار آماره لون
۰,۰۲۱	۲۹۷	۳	۳,۲۹۱

جدول شماره ۴: آنالیز واریانس آنوای سابقه سکونت و رضایت از زندگی

آنوای سابقه سکونت و رضایت از زندگی					
معیار تصمیم	F آماره	میانگین مربعات خطا	درجه آزادی	مجموع مربعات خطا	
۰,۰۱۹	۳,۳۶۹	۱۲۳,۴۳۳	۳	۳۷۰,۲۹۹	بین گروه‌ها
		۳۶,۶۳۸	۲۹۷	۱۰۸۱۱,۵۸۱	داخل گروه‌ها
			۳۰۰	۱۱۲۵۱,۸۸۰	کل

همچنین در آزمون سابقه سکونت و رضایت از زندگی نیز نشان می‌دهد که آنوا معنی‌دار نیست، لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که طول مدت زندگی در محله تأثیری در رضایت از زندگی ندارد.

احساس محرومیت بر رضایت از زندگی شهری تأثیر دارد.

جدول زیر خلاصه مدل را نشان می‌دهد. مقدار ضریب همبستگی بین متغیرها (۰,۲۶۰) می‌باشد که نشان می‌دهد بین متغیر مستقل و وابسته تحقیق همبستگی ضعیفی وجود دارد و همچنین متغیر مستقل ۰,۶۵ از واریانس رضایت از زندگی را پیش‌بینی می‌کند.

جدول شماره ۵: خلاصه مدل آزمون احساس محرومیت و رضایت از زندگی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب همبستگی تعدیل شده	انحراف معیار برآورد	دوربین واتسون
۱	۰,۲۶۰	۰,۰۶۸	۰,۰۶۵	۵,۹۲۲۸۱	۱,۹۲۸

جدول شماره ۶: آزمون واریانس آزمون احساس محرومیت و رضایت از زندگی

آزمون آنوا- احساس محرومیت و رضایت از زندگی						
Model		مجموع مربعات خطا	درجه آزادی	میانگین مربعات خطا	F آماره	معیار تصمیم
1	رگرسیون	۷۶۳,۰۶۸	۱	۷۶۳,۰۶۸	۲۱,۷۵۲	۰,۰۰۰
	باقیمانده	۱۰۴۸۸,۸۱۳	۲۹۹	۳۵,۰۸۰		
	کل	۱۱۲۵۱,۸۸۰	۳۰۰			

آنالیز واریانس رگرسیون در جدول آنوا و معنی‌داری آن ۰,۰۰۰ به این مفهوم است که قدرت پیشگویی معادله رگرسیون همچنان با احتمال بیشتر از ۹۵ درصد به بالاست. و با توجه به معنادار بودن مقدار آزمون $f(21,752)$ در سطح خطای کوچکتر از ۰,۰۱ می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مدل خوبی بوده و متغیر مستقل قادر است تغییرات رضایت از زندگی را تبیین کند. از آنجاکه آماره دوربین واتسون ۱,۹ است می‌توان نتیجه گرفت که احساس محرومیت بر رضایت از زندگی تأثیرگذار است. با توجه به چارچوب نظری تحقیق، یافته‌ها نیز در تأیید این امر است و به هر میزان که افراد احساس کنند در معرض محرومیت واقع هستند، رضایت کمتری نیز دارند و این مسئله در دراز مدت بر زندگی آنها تأثیر منفی می‌گذارد و زمینه‌ساز بروز انواع نارضایتی است.

جدول شماره ۸: آزمون رگرسیون محرومیت نسبی و رضایت از زندگی

Model	ضریب رگرسیون استاندارد نشده		ضریب رگرسیونی استاندارد شده	T آماره	معیار تصمیم
	B غیر استاندارد	Std. Error	Beta		
1	(Constant)	۵۲,۸۰۵	۲,۳۴۶	۲۲,۵۱۰	۰,۰۰۰
	محرومیت نسبی	-۰,۲۱۶	۰,۰۴۶	-۰,۲۶۰	۴,۶۶۴

چون در اینجا یک متغیر مستقل داریم، عملاً امکان مقایسه سهم نسبی متغیرها در مدل وجود ندارد. تغییر یک انحراف استاندارد در متغیر محرومیت نسبی باعث تغییر ۰,۲۶۰- انحراف استاندارد در متغیر رضایت از زندگی می‌شود اما در ضریب رگرسیون استاندارد نشده می‌گوییم که تغییر یک واحد در متغیر محرومیت نسبی باعث تغییر ۰,۲۱۶- متغیر رضایت از زندگی می‌شود. آماره t و سطح معناداری اهمیت نسبی هر متغیر مستقل در مدل را نشان می‌دهد، در این فرضیه مقدار معناداری ۰,۰۰۰ شده است که کوچکتر از مقدار ۰,۰۱ می‌باشد بنابراین ضریب رگرسیونی متغیر محرومیت نسبی در سطح خطای کوچکتر از ۰,۰۱ معنادار است.

پایگاه اجتماعی از طریق محرومیت نسبی بر رضایت اثر دارد.

جدول زیر خلاصه مدل را نشان می‌دهد. مقدار ضریب همبستگی بین متغیرها (۰,۲۴۸) می‌باشد که نشان می‌دهد بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق همبستگی ضعیفی وجود دارد و همچنین متغیر مستقل ۰,۶۲ از واریانس رضایت از زندگی را پیش‌بینی می‌کند.

جدول شماره ۹: آزمون دوربین واتسون احساس محرومیت و رضایت از زندگی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب همبستگی تعدیل شده	انحراف معیار برآورد	آماره دوربین واتسون
۱	۰,۲۴۸	۰,۰۶۲	۰,۰۵۵	۶,۰۷۸۹۱	۱,۹۷۰

جدول شماره ۱۰: آماره F احساس محرومیت و رضایت از زندگی

مدل	مجموع مربعات خطا	درجه آزادی	میانگین مربعات خطا	F آماره	معیار تصمیم
۱	رگرسیون	۲	۳۳۵,۵۹۴	۰,۰۸۲	۰,۰۰۰
	باقی مانده	۲۷۶	۳۶,۹۵۳		
	کل	۲۷۸			

آنالیز واریانس رگرسیون در جدول آنوا و معنی‌داری آن ۰,۰۰۰ به این مفهوم است که قدرت پیشگویی معادله رگرسیون همچنان با احتمال بیشتر از ۹۵ درصد به بالاست. با توجه به معنادار بودن مقدار آزمون $f(۹,۰۸۲)$ در سطح خطای کوچکتر از ۰,۰۱ می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مدل خوبی بوده و متغیر مستقل قادر است تغییرات رضایت از زندگی را تبیین کند.

جدول شماره ۱۱: رگرسیون احساس محرومیت و رضایت از زندگی

مدل	ضرایب رگرسیون غیر استاندارد		ضریب استاندارد شده	t آماره	معیار تصمیم	
	B	Std. Error	Beta			
1	(Constant)	۵۲,۵۵۹	۲,۴۷۲	۲۱,۲۶۴	۰,۰۰۰	
	پایگاه اجتماعی	۰,۱۱۹	۰,۰۰۰	۰,۱۷۶	۶,۹۵۳	۰,۰۰۰
	محرومیت نسبی	-۰,۲۸۰	۰,۰۴۹	-۰,۲۴۹	-۴,۲۶۱	۰,۰۰۰

این جدول نشان می‌دهد که متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی با ضریب ۰,۱۷۶ بر روی رضایت از زندگی تأثیر گذاشته است که تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی روی رضایت از زندگی به صورت مستقیم بوده یعنی با افزایش سطح پایگاه اجتماعی اقتصادی، میزان رضایت از زندگی با توجه به ضریب آن افزایش می‌یابد. بعد از آن متغیر محرومیت نسبی با ضریب تأثیر -۰,۲۴۹ بر رضایت از زندگی به صورت منفی و معکوس می‌باشد.

در مجموع، می‌توان گفت که متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی به خاطر ضرایب مثبت بر رضایت از زندگی شهری تأثیر فزاینده دارد و متغیر محرومیت نسبی به خاطر ضریب منفی تأثیر کاهنده دارد.

مشارکت شهری و رضایت از خدمات شاروالی (شهرداری)

آیا مشارکت شهری تأثیری در رضایت از خدمات شهری دارد یا نه که در نتیجه مشخص شد در این جمعیت نمونه، رابطه معناداری بین مشارکت شهری و رضایت از خدمات شاروالی وجود ندارد. از دلایل تأثیر نداشتن می‌توان به فاصله بین دولت و مردم، فساد و آگاهی پایین در مسائل شهری و شهروندی اشاره کرد.

جدول شماره ۱۲: آزمون همبستگی بین مشارکت شهری و رضایت از خدمات شاروالی

		مشارکت شهری	رضایت از خدمات شهرداری
مشارکت شهری	ضریب همبستگی پیرسون	۱	
	سطح معناداری		
	تعداد	۳۰۱	
رضایت از خدمات شهرداری	ضریب همبستگی پیرسون	-۰,۰۵۳	۱
	سطح معناداری	۰,۳۵۶	
	تعداد	۳۰۱	۳۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

حاشیه‌نشینی یکی از چالش‌های هزاره سوم جهان معرفی شده است. آمار نهادهای بین‌المللی نشان می‌دهد که رشد جمعیت شهری در افغانستان سالانه ۵ درصد افزایش دارد که این میزان، نزدیک به دو برابر سطح متوسط کشورهای منطقه می‌باشد. خانواده‌ها و افرادی که به تازگی به شهر آمده‌اند شامل بی‌جاشدگان داخلی، مهاجران عودت‌کننده و همچنان کسانی‌اند که فعالیت‌های زراعتی را در روستاها رها کرده و به دنبال شغل‌های خدماتی در مناطق شهری می‌باشند. بانک جهانی پیش‌بینی کرده که این میزان افزایش شهرنشینی در این کشور تا یک نسل دیگر ادامه پیدا می‌کند و با ادامه این روند، تا سال ۲۰۶۰، حدود ۱۵ میلیون نفر دیگر نیز به جمعیت شهرنشین‌های افغانستان افزوده می‌شود در نتیجه، تا ۴۰ سال دیگر نیمی از جمعیت افغانستان در شهرها سکونت خواهند داشت شاروالی (شهرداری) در شهر کابل چشم‌انداز

روشنی برای مدیریت حاشیه‌نشینی ندارد و به‌تنهایی نیز قادر به حل معضل حاشیه‌نشینی شهر نیست، در شهر کابل، حاشیه‌نشینی گاه در اشکال خاصی چون کوه‌نشینی نیز به چشم می‌خورد. کیفیت زندگی در افغانستان به دلایل گوناگون از جمله جنگ طولانی مدت، عدم توسعه زیر ساخت و فقر گسترده و آشوب‌های داخلی و منازعات منطقه‌ای و خارجی تحمیل شده پایین است و به همین دلیل رضایت از زندگی شهری در فرایند رشد و گسترش شهرنشینی سریع و شتابان کمتر از هنجارهای شهرنشینی است. یافته‌های تحقیق همسو با دیگر مطالعات در مناطق حاشیه افغانستان و جهان از جمله پیمایش دیده‌بان شفافیت افغانستان (۱۳۹۶)، کمیر و عیسی (۱۳۹۶) نقدی و همکاران (۱۳۹۴) نظیر و همکاران (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد رضایت از زندگی شهری در حد متوسط رو به پایین قرار دارد و این امر سبب عدم مشارکت حاشیه‌نشینان در زندگی شهری و احساس عدم تعلق و این امر در جای خود بر زندگی مردم و توسعه شهر کابل تأثیرگذار است و بازدارندگی آن در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری دیده می‌شود. مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رضایت از زندگی شهری، که در این تحقیق بررسی شده‌اند، شامل قومیت، محرومیت نسبی، مشارکت شهری، سابقه سکونت و نوعیت تملک مسکن و پایگاه اجتماعی است. در متغیر قومیت و تأثیر آن بر رضایت از خدمات شاروالی بین اقوام تفاوت میانگین معناداری وجود دارد. اما بین قومیت حاشیه‌نشینان و رضایت از زندگی رابطه‌ای معنادار وجود ندارد، یعنی اینکه قومیت حاشیه‌نشینان تأثیری در رضایت از زندگی آنها ندارد درحالی‌که در رضایت از خدمات شاروالی تأثیرگذار است. شاید این بدین دلیل باشد که بیشتر اداره‌های دولتی و نهادهای اقتصادی در دست گروه قومی خاص قرار دارد و آنها از مزیت‌های بیشتری نسبت به دیگر اقوام برخوردار هستند. مثلاً منطقه ارزان قیمت^۱ کوچه‌ها، معابر و سطح زندگی مردم آن به لحاظ عینی به مراتب بهتر از دشت برچی^۲ است و این می‌تواند در رضایت از زندگی تأثیرگذار باشد.

مطالعات متعدد در مناطق حاشیه نشان می‌دهند که تملک زمین و مسکن و خانه‌دار شدن از آرزوهای اصلی حاشیه‌نشینان است (نقدی و زارع، ۱۳۹۱) و مالکیت در رضایت از زندگی تأثیر

۱. منطقه‌ای که اکثریت آن پشتون‌نشین است.

۲. منطقه‌ای که اکثریت آن هزاره‌نشین است.

دارد، ولی یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که این مهم تأثیری در رضایت از زندگی آنها ندارد. به عبارت دیگر، کسانی که در خانه‌های اجاره‌ای، خریداری شده و/یا کرایه‌ای زندگی می‌کنند، نوع مالکیت منزل آنها تأثیری در رضایت ندارد. همچنین سابقه سکونت نیز تأثیری در رضایت از زندگی آنها ندارد. شاید بعنوان دلیل بتوان گفت مهاجرت از روستا به شهر در مقیاس وسیع و نرخ بالای سکونت غیررسمی در شهر کابل و سیال بودن اسکان مهاجران و تبدیل شدن کابل به یک «روستا شهر» کلان، باعث شده است تا کمتر فرهنگ و مناسبات شهری مدرن در آن شکل بگیرد و افراد برحسب پیشینه زندگی روستایی و قبلی، در شهر نیز همان سبک زندگی قومی-ولایتی را ادامه و بازتولید کنند.

با توجه به تبعیض و منازعات مستمر و دامنه‌دار در کشور افغانستان اگرچه بین متغیر احساس محرومیت و رضایت از زندگی همبستگی ضعیفی وجود دارد و متغیر مستقل تنها ۰,۶۵ درصد از واریانس رضایت از زندگی را پیش‌بینی می‌کند اما سطح معناداری، معنادار بودن را نشان می‌دهد این نشانگر آن است که احساس محرومیت در رضایت از زندگی تأثیرگذار است و به همان میزان که افراد احساس محرومیت بیشتری داشته باشند، رضایت کمتری از زندگی دارند. فراوانی گویه‌های این شاخص نیز نشان می‌دهد که بی‌عدالتی، تطبیق نشدن یکسان قانون و احساس تبعیض به دلیل قومیت، میزان بالایی از نارضایتی را نشان می‌دهد و مسلماً تأثیر مستقیم بر رضایت از زندگی شهری دارد که در طولانی مدت، باعث ایجاد فاصله بین دولت و مردم، گروه‌های قومی و به وجود آمدن بی‌اعتمادی و نگرش‌های منفی به همدیگر می‌شود.

از دیگر متغیرهای که در رضایت از زندگی شهری تأثیر دارد پایگاه اجتماعی-اقتصادی است. پایگاه اجتماعی-اقتصادی با ضریب ۰,۱۷۶ درصد بر رضایت از زندگی تأثیر گذاشته و با افزایش سطح پایگاه اجتماعی-اقتصادی، میزان رضایت از زندگی با توجه به ضریب آن نیز افزایش می‌یابد. محرومیت نسبی به خاطر ضریب منفی ۰,۲۴۹ بر رضایت از زندگی به صورت منفی و معکوس تأثیر می‌گذارد و فرضیه تحقیق در این مورد تأیید می‌گردد که پایگاه اجتماعی از طریق محرومیت نسبی بر رضایت از زندگی تأثیرگذار است.

رشد سریع شهر کابل بدون همراهی رشد و بهبود شاخص‌های زندگی شهری همراه با تنوع و تکثر قومی همراه با انواعی از تعارض‌ها، مهاجرت‌های گسترده و غلبه نسبت جمعیت محلات

غیررسمی شهر به بافت اصلی و نیز مناقشات چندین ساله همگی سبب شده کیفیت زندگی در کل شهر کابل، پایین و در سکونتگاه‌های غیررسمی نوعی زندگی روستا-شهری بازتولید گردد. میزان رضایت از زندگی شهری در بین گروه‌های قومی متفاوت است که مؤلفه‌های تعیین‌کننده این تفاوت را می‌توان در محرومیت نسبی، سرمایه اجتماعی و رضایت از خدمات شهری دانست. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان رضایت حاشیه‌نشینان از خدمات شهری کمتر از حد متوسط است و در بسیاری از مواردی به خدمات اولیه دسترسی ندارند که این در خواست‌های آنها اشاره شده است، چنانچه بسیاری از شهروندان گفتند هنوز منطقه آنها دسترسی به آب آشامیدنی سالم، جاده‌های آسفالت شده و فضای سبز ندارند.

جدی‌ترین مشکل حاشیه‌نشینان کابل مسئله تأمین امنیت، ایجاد اشتغال و دسترسی به خدمات اولیه شهری است. تقریباً بیش از ۹۰ درصد پاسخگویان اعلام کرده‌اند که وضعیت امنیتی منطقه آنها خوب نیست و در هنگام شب به راحتی نمی‌توانند از یک مکان به مکان دیگر بروند و حتی در معرض دزدی و زورگیری نیز واقع شده‌اند. حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی در همه‌جای جهان یعنی همراه بودن با فقر، محرومیت و تبعیض. در مطالعه حاضر، مشخص شد که بیشتر حاشیه‌نشینان به تطبیق یکسان قانون باور ندارند و معتقدند بی‌عدالتی خیلی زیاد است. اما آنچه پررنگ و جالب توجه بود، امید مردم به آینده و درعین حال، محرومیت و عدم دسترسی به بسیاری از خدمات شهری رضایت از محل سکونتشان بود که بسیاری گفتند از جایی که زندگی می‌کنیم، رضایت داریم درحالی‌که مشکلات زیادی در منطقه آنها وجود دارد.

باور نداشتن به تطبیق یکسان قانون، احساس محرومیت، تبعیض و تأثیر آن بر رضایت از زندگی می‌تواند تبعات منفی در توسعه، خصوصاً توسعه پایدار شهری، داشته باشد. این امر باعث می‌شود تا مردم مشارکت کمتری در امور شهری بگیرند و شهر را خانه مشترک خود ندانند. می‌توان گفت یکی از مسائل سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشینان شهر کابل این است که تعلق‌ها جمعی نیست و بیشتر درون گروهی و قومی و خاص گرایانه است.

منابع

- آذر، علی اسکلو و افسانه، افسانه (۱۳۹۶). بررسی و ارزیابی میزان رضایتمندی حاشیه‌نشینان کلان‌شهر تبریز از عملکرد شهرداری و شورای اسلامی در سه دوره گذشته (۱۳۷۸-۱۳۹۲).
- فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال ششم، شماره ۲۲: ۸۵-۹۸.
- ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۸). سکونتگاه‌های غیر رسمی و اسطوره حاشیه‌نشینی. تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- باقری، معصومه؛ حسین‌زاده، علی حسین؛ حیدری، سمیرا و زالی‌زاده، مسعود (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در رضایت از زندگی (مطالعه موردی: شهر اهواز). فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۳: ۲۰۵-۱۷۹.
- حیدرخانی، هاییل؛ قنبری، نوذر و محبی، سیروس (۱۳۹۶). بررسی نقش ابعاد حمایت اجتماعی بر رضایت از کیفیت زندگی شهری (مورد مطالعه: شهروندان شهر کرمانشاه). مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال هفتم، شماره ۲۳: ۱۳۲-۱۰۵.
- عنابستانی، علی اکبر؛ امرائی، صمد و رومیانی، احمد (۱۳۹۴). بررسی اثرگذاری محلات شهری بر میزان رضایت‌مندی شهروندان از کیفیت زندگی در شهر کوه‌دشت. مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال دوم، شماره ۲: ۱۵۲-۱۳۹.
- عیوضلو، داود؛ حاتمی‌نژاد، حسین و خزائی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۵). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی در فضاهای شهری (مطالعه موردی: منطقه ۹ شهرداری تهران). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۸، شماره ۲: ۳۶۱-۳۴۹.
- کارت گزارش‌دهی شهروندان درباره خدمات شاروالی‌ها در افغانستان (۱۳۹۶). دیدبان شفافیت افغانستان. همچنین فصلنامه خبری امانت، (۱۳۹۵). کابل: دیدبان شفافیت افغانستان.
- نقدی، اسدالله (۱۳۹۲). حاشیه‌نشینی (تئوری‌ها، روش‌ها و مطالعات موردی). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- نقدی، اسدالله. (۱۳۸۶). سنجش رضایتمندی حاشیه‌نشینان (مطالعه موردی: شهر همدان). فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال دوم، شماره ۳: ۱۷۲-۱۵۱.
- نقدی، اسدالله، زارع، صادق (۱۳۹۰). الگوی زیست حاشیه، تهدیدی برای توسعه و سلامت پایدار شهر. مطالعات شهری، سال اول، شماره اول: ۱۴۶-۱۲۵.

- نورعلی‌وند، علی و همکاران (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی شهری*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، جلد دوم.
- یزدانی، مجتبی (۱۳۹۴). *کیفیت زندگی شهری؛ تعاریف، شاخص‌ها، سازه‌ها، ارزیابی تطبیقی و راهبردها*. تهران: انتشارات تیسرا.
- هاروی، دیوید (۱۳۷۹). *عدالت اجتماعی و شهر*. ترجمه: فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی‌زاده. تهران: انتشارات: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- Nazire, Haroon; Kita, Michiro; Oskyer, Seth Asare; Matsubara, Shigeki (2016). Effects of informal settlement upgrading in Kabul city, Afghanistan: A case study of Afshar area. *Current urban studies*, N. 4: 476- 494.
- Akgul, Deniz (2012). Measuring the satisfaction of citizens for the service given by the municipality: the case of Kirsehir Municipality. *Procedia Social and Behavioral Science*, N. 62: 555-560.
- Jammeier, H. Detlef; Issa, Zabihullah (2017). Urban governance in Afghanistan: assessing the new urban development programme and its implementation, Afghanistan research and evaluation unit and German federal ministry of economic cooperation and development.
- UN HABITAT (2015). *State of Afghan Cities 201۵*. Voll, Kabul Municipality, Ministry of Urban Development Affairs.
- Knies, Gundi; Nandi, Alita; Platt, Lucinda (2016). Life satisfaction, ethnicity and neighbourhoods: is there an effect of neighborhood ethnic composition on life satisfaction? *Social Science Research*, V. 60: 110-124. ISSN 0049-089X.
- UNHABITAT. (2016). Country programme document 2016-2019 Afghanistan.
- Heath, Anthony F; Rothon, Catherine; Kilpi, Elina (2008). The Second Generation in Western Europe: education, unemployment, and occupational attainment. *Annual Review of Sociology*, V.34: 211-235
- Midtbøen, Arnnfinn H. (2014). The invisible second generation? Statistical discrimination and immigrant stereotypes in employment processes in Norway. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, V. 40, N. 10: 1657-1675. DOI: 10.1080/1369183X.2013.847784.

پی نوشت:

** از دکتر اسماعیل بلالی دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا به سبب مشورت های سودمند بخصوص در بخش روش در طول انجام تحقیق، تدوین و انتشار این مقاله بسیار سپاسگزاری می کنیم.

پیوست:

*** تصاویری از حاشیه های شهر کابل



تصویر شماره ۱: نمایی از کیفیت معابر و کسب و کارها



تصویر شماره ۲: نمایی از موقعیت استقرار در دامنه های بسیار شیب دار